فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی اول، شماره‌ی٤، بهار۹۲، صفحات ۹۷-٦۹

بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل

اکبر علیوردی‌نیا[۱]، محمود شارع‌پور[۲]، فاطمه مرادی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

چکیده

بررسی تحقیقات مختلف انجام شده در نقاط مختلف دنیا نشان می‌دهد که مصرف مشروبات الکلی یکی از مشکلاتی است که در بسیاری از نقاط جهان رواج دارد. در کشور ایران نیز مصرف مشروبات الکلی خلاف هنجارهای دینی و قوانین کشوری محسوب می‌شود. تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف مشروبات الکلی صورت پذیرفته‌است. این تحقیق با روش پیمایشی و با نمونه آماری ۵۳۰ نفری (۳۱۸ دختر و ۲۱۲ پسر) از دانشجویان دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ به اجرا در آمده‌است. چارچوب نظری تحقیق عبارتند از: نظریه‌ی عمومی جرم گاتفردسون و هیرشی و نظریه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی.

داده‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد ٥۹/٦ درصد از پاسخ‌گویان اصلاً الکل مصرف نکرده‌اند. از این تعداد ٥٤/۲ درصد را پسران و ٦۳/۲ درصد را دختران تشکیل می‌دهند. هم‌چنین حدود نیمی از نمونه‌ی تحقیق دارای نگرش منفی و نیمی دیگر دارای نگرش میانه و مثبت نسبت به مصرف الکل بوده‌اند. نتایج تحقیق، نشان می‌دهد متغیّر خودکنترلی و متغیّرهای باور و التزام تحصیلی دارای رابطه‌ی مستقیم و معنادار با نگرش نسبت به مصرف الکل بوده و متغیّر باور نیز مهم‌ترین تبیین‌کننده‌ی نگرش به مصرف الکل بوده‌است.

واژه‌های کلیدی: خود کنترلی، عناصر پیوند اجتماعی، نگرش دانشجویان، مصرف الکل

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (نویسنده مسؤول) aliverdinia@umz.ac.ir
۲- استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران sharepour@yahoo.com
۳- کارشناس ارشد جامعه شناسی fatemehmoradi49@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدمه

الکل یکی از شایع‌ترین مواد مورد سوء مصرف در دنیاست. وابستگی (اعتیاد) به الکل اغلب با عنوان الکلیسم نامیده می شود. پیامدها و اثرات اجتماعی مصرف الکل میزان بالای ارتکاب جرایم در میان این گروه از افراد است. کاهش طول عمر از ۱۰ تا ۱۵ سال در افراد وابسته به الکل، افزایش خودکشی، دیگرکشی و حوادث خطرناک در جوانی و نوجوانی و ضایعات غیرکشنده از قبیل افزایش خطر بیماری‌های قلبی و سرطان در بزرگ‌سالی (گیبسون و همکاران، ۲۰۰٤؛ هینگسونو همکاران، ۲۰۰۵؛ بارتول و بارتول[1]، ۲۰۱۱)؛ هم‌چنین جرائمی مانند سوء استفاده‌ی جنسی، داشتن روابط جنسی پرخطر اجباری و ناخواسته (نویک[2] و همکاران، ۲۰۰۷؛ پالمر[3] و همکاران، ۲۰۰۸؛ فاولکنر و همکاران، ۲۰۰٦؛ گاین[4] و همکاران، ۲۰۱۰؛ هینگسون[5] و همکاران، ۲۰۰۵)، تصادفات رانندگی و رانندگی در حال مستی (بارتول و بارتول، ۲۰۱۱؛ نجفی، ۱۳۸۵)،عملکرد ضعیف تحصیلی(هینگسونو همکاران، ۲۰۰۵؛ بالمر[6] و همکاران،۲۰۱۰)، ارتکاب جرائم جدی‌تر مانند آدم‌کشی، ایراد ضرب و جرح و تجاوز به عنف، جرائم همراه با خشونت و کودک آزاری (هینگسونو همکاران، ۲۰۰۵؛ روزن، ۱۹۹۷ به نقل از بارتول و بارتول، ۲۰۱۱؛ ریس و بوث، ۱۹۹۳به نقل از بارتول و بارتول، ۲۰۱۱؛ بارتول و بارتول، ۲۰۱۱) از پیامدها و اثرات اجتماعی مصرف الکل هستند.

علی‌رغم ممنوعیت مصرف الکل در بسیاری از کشورها، متأسفانه در میان قشر جوان و نوجوان به طور مداوم یا با هدف تفریحی مشروبات الکلی مصرف می‌شود. هم‌چنین سال‌ها است که سوء مصرف الکل و مسائل مرتبط با آن، جزء مهم‌ترین دغدغه‌ها در محیط دانشگاهی است (رجایی، ۱۳۷۹: ٤۱۱). دانشجویان که برای اولین بار از والدین‌شان دور می‌شوند و از این رو کنترل والدین بر آن‌ها کم می‌شود، با زندگی در خوابگاه‌ها، به شدّت تحت تأثیر فعالیت‌های هم‌سالان قرار می‌گیرند (فاولکنر[7] و همکاران، ۲۰۰٦: ۱٦۰). در دهه‌ی نود، محققان دریافتند که که تعداد نامتناسبی از دانشجویان دانشگاه دارای سوء مصرف الکل هستند. برخی نیز استدلال

1- Bartol & Bartol
2- Novikl
3- Palmer
4- Nguyen
5- Hingson
6- Bulmer
7- Faulkner

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

می‌کنند که جدی‌ترین مسأله‌ی سلامت عمومی که دانشگاه‌ها و دانشکده‌های آمریکا با آن مواجه هستند، سوء مصرف الکل دانشجویان است (گیبسون[1] و همکاران، ۲۰۰٤: ٤۱۱). تحقیقات انجام شده نشان‌دهنده‌ی مصرف الکل و عواقب منفی آن در میان دانشجویان در آمریکا شمالی است. کشور ما نیز متأسفانه از این مسأله مستثنا نیست؛ هرچند که در کشور ما مصرف مشروبات الکلی یک عمل غیراخلاقی محسوب می‌شود و چنین دیدگاهی به دلیل شرایط مذهبی جامعه باعث کاهش چشمگیر استفاده از آن شده‌است (رجایی، ۱۳۷۹). با این وجود هر سال بر تعداد قربانیان الکل افزوده می‌شود. نتایج تحقیقات در ایران (سراج زاده و فیضی، ۱۳۸٦؛سهرابی، ۱۳۸۸؛ رحیمی موقر و سهیمی ایزدان، ۱۳۸۵: ۲۵؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ٦۳؛ سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۲: ۲۵؛ طالبان، ۱۳۷۸: ۱۰۰ – ۹۹؛ غنی‌زاده[2]: ۲۰۰۱؛ توحیدیان، ۱۳۸۸؛ صالح‌نژاد، ۱۳۹۰)، که در دانشگاه‌های مختلف بر روی دانشجویان انجام شده‌است حاکی از افزایش مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان است. بدین‌سان، توجه زیادی که امروزه به برخی رفتارهای نابهنجار اخلاقی در میان دانشجویان در دانشگاه‌ها معطوف می‌شود تا حدودی مبیّن نگرانی از این واقعیت است که تلاش‌های مدیران نظام آموزش عالی در انتقال باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و دینی موفقیت چندانی نداشته‌است. در همین زمینه، از آن‌جا که معمولاً جلوه‌ی هر امری که به نوعی ناهنجار تلقی شود به مراتب بیش از امور مطلوب و بهنجار است، به نظرمی‌رسدکه وضعیت کنونی دانشگاه‌های ما دچار نابه‌سامانی فرهنگی گسترده‌ای است. در چنین زمینه‌ای، مطالعه، سنجش و تبیین جامعه شناختی رفتارهای انحرافی از قبیل مصرف الکل در میان دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های کشور ، مسأله‌ای مهم و درخور مطالعه خواهد بود. پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان دانشگاه مازندران نسبت به مصرف الکل از دیدگاه نظریه‌ی پیوند اجتماعی و نظریه‌ی عمومی‌جرم (خودکنترلی) است؛ از این‌رو این تحقیق درصدد پاسخ به سوالات زیر است:

۱- وضعیت نگرش دانشجویان دانشگاه مازندران نسبت به مصرف مشروبات الکلی چگونه است؟

1- Gibson
2- Ghanizadeh

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۲- چگونه می‌توان با توجه به متغیّرهای مبتنی بر نظریه‌های عمومی جرم و پیوند اجتماعی، نگرش دانشجویان دانشگاه مازندران را نسبت به مصرف مشروبات الکلی تبیین کرد؟

پیشینه‌ی تحقیق

در بخش‌های مربوط به تحقیقات داخلی و خارجی، صرفاً به برخی از تحقیقاتی که با رویکردی جامعه شناختی، صرف‌نظر از چارچوب نظری‌شان، به مسأله‌ی مصرف الکل یا نگرش نسبت به مصرف الکل در میان جوانان، به‌ویژه دانشجویان پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

سراج‌زاده و فیضی (۱۳۸٦) در تحقیقی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان»، با استفاده از داده‌های یک طرح پیمایشی مربوط به مواد مخدر و مشروبات الکلی، نمونه طرحی متشکل از ۵۲۳۱ نفر دانشجوی دختر و پسر مشغول به تحصیل در مقطع کارشناسی در سال تحصیلی 82-81 از ۲۱ دانشگاه دولتی تحت پوشش وزارت علوم در سراسر کشور را گردآوری کردند. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که ۲۰ درصد از دانشجویان اظهار داشتند دست کم یک بار مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند. هم‌چنین همه‌ی متغیّرهای مستقل (جنسیت، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، احساس آنومی، امیدواری به آینده‌ی تحصیلی و شغلی، آلودگی محیط و دین‌داری) با هر دو متغیّر وابسته (مصرف تریاک و مصرف مشروبات الکلی) ارتباط معنی‌دار و قابل توجهی دارند. با وجود این، کیفیت رابطه‌ی این متغیّرها با مصرف تریاک با کیفیت رابطه‌ی آن‌ها با مصرف مشروبات الکلی متفاوت بود. بیش‌ترین تفاوت در رابطه‌ی دینداری و پایگاه اقتصادی- اجتماعی با مصرف الکل و تریاک دیده شد.

علیوردی‌نیا و همتی (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان «تحلیل اجتماعی گرایش به مصرف الکل در میان دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران» انجام داده‌اند. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده‌است؛ در مجموع ٤۰۰ نفر از دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. چارچوب نظری تحقیق عبارت از نظریات برچسب زنی، نظریه‌ی عمومی جرم گاتفردسون و هیرشی، نظریه‌ی فشار عمومی اگنیو و نظریه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی بوده‌است. داده‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که در تمامی ابعاد مختلف متغیّر وابسته میان دانشجویان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دختر و پسر به لحاظ گرایش به مصرف مشروبات الکلی تفاوت معنادار وجود داشته‌است. به عبارتی، در تمامی ابعاد (شناختی، رفتاری، عاطفی) مردان گرایش بیش‌تری به مصرف مشروبات الکلی داشته‌اند. در مجموع، ٤٦/٨ درصد از پاسخ‌گویان از گرایش متوسطی به مشروبات الکلی برخوردار بوده‌اند. این در حالی است که ۱۳/۸ درصد از گرایش زیاد و ۳۹/٤ درصد گرایش کمی به مصرف الکل داشته اند. ۲۷/٤درصد از مردان و ٤۷/۹ درصد از زنان دارای گرایش کمی به مصرف مشروبات الکلی بوده‌اند؛ این در حالی است که ۱۸/۵ درصد از مردان و ۱۰/۵ درصد از زنان گرایش بالایی به مصرف مشروبات الکلی داشته‌اند .دستاورد نظری این تحقیق ارائه‌ی یک مقیاس منسجم برای سنجش گرایش به الکل بوده‌است. بر اساس تحلیل داده‌های تحقیق، متغیّرهای پیوستگی به مذهب، پیوستگی تحصیلی، خودکنترلی و برچسب رسمی دارای تأثیر معناداری بر گرایش به مصرف الکل بوده و متغیّر پیوستگی به مذهب، مهم‌ترین تبیین‌کننده‌ی گرایش به مصرف الکل بوده‌است.

گیبسون[1] و همکاران (۲۰۰٤) تحقیقی را با عنوان «سوء مصرف الکل و رفتارهای منفی وابسته به مصرف الکل: آزمون تجربی نظریه خود کنترلی» انجام دادند. روش این تحقیق پیمایشی و اطلاعات با پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. حجم نمونه‌ی این تحقیق ۲٦۸ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های جنوب ایالات متحده بود. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که میان مصرف الکل و خود کنترلی رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد، یعنی این‌که هرچه خود کنترلی افراد کمتر باشد مصرف الکل آن‌ها بیش‌تر می‌شود. میان مصرف الکل و ارتباط با دوستان منحرف رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. میان رفتارهای منفی وابسته به مصرف الکل و خودکنترلی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که خودکنترلی پایین بر مصرف الکل و رفتارهای منفی وابسته به آن تأثیر دارد. هم‌چنین تاثیر مصرف الکل در رفتارهای منفی وابسته به مصرف الکل در سطوح مختلف خود کنترلی(بالا، متوسط و پایین) متفاوت است.

چیونگ و چیونگ۲ (۲۰۰۸) در تحقیقی سعی کرده اند تا قدرت پیش بینی‌کنندگی نظریه‌ی خودکنترلی بر روی بزهکاری در بافت جامعه‌ی چین مورد بررسی قرار گیرد. هم چنین این تحقیق درصدد بود تا تبیین کند که آیا عوامل اجتماعی که در نظریه‌های پیوند اجتماعی،

1 -Gibson
2-Cheung & Cheung

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

همنشینی افتراقی، نظریه‌ی عمومی فشار و نظریه‌ی برچسب زنی مطرح هستند، بر روی بزهکاری افراد اثر معناداری دارند (در کنار متغیّر خودکنترلی). داده‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل ۱۰۱۵ دانش‌آموز مدارس متوسط هنگ‌کنگ بوده‌است. نتایج نشان دهنده‌ی این است که خودکنترلی پایین با بزهکاری نوجوانان ارتباط داشته‌است. یکی از انواع بزهکاری‌هایی که مد نظر محققان این تحقیق بوده‌است، فراوانی مصرف الکل است. که نتایج حاکی از تأیید این نظریه در تبیین مصرف الکل در بافت جامعه چین بوده‌است. نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد، خودکنترلی با همه‌ی این عوامل اجتماعی رابطه‌ی مستقیم داشته‌است. نوجوانانی که خودکنترلی ضعیفی داشتند، پیوندهای اجتماعی ضعیفی نیز داشتند.

آسلین[1] (۲۰۰۹) تحقیقی با عنوان «کاربرد نظریه‌ی عمومی فشار جهت استنباط مصرف مواد و الکل در کانادا؛ آزمون این‌که چگونه فشارها، متغیّرهای وضعیتی و جنسیت با هم ارتباط دارند.» انجام داده‌است. در این تحقیق از داده‌هایی که توسط آماردانان کانادایی و با عنوان پیمایش الکل و مواد در سال ۱۹۹٤ به انجام رسانیدند، استفاده شد. ٥٤/۲٥ درصد نمونه را زنان و ٤٥/۷٥ درصد را مردان تشکیل می‌دادند و شامل افرادی بودند که در کانادا زندگی می‌کردند و بیش‌تر از ۱٥ سال داشتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی، مذهبی بودن، تحصیلات و سن، مصرف مواد و الکل را کاهش می‌دهد. هم‌چنین فشارهای درونی و فشار مالی با مصرف مواد و الکل رابطه‌ی مثبتی داشت. مطابق با انتظار، بی قیدی، ارتباط با همالانی که مواد مصرف می‌کردند و عقاید انحرافی ارتباط مثبتی با مصرف مواد و الکل داشت. در این تحقیق مردان بیش‌تر از زنان به مصرف مواد و الکل گرایش داشتند و علت این امر به کمبود حمایت اجتماعی در آن‌ها بر می‌گردد. در مقابل، اثر فشارها بر روی مصرف الکل در زنان معنادارتر بود. یافته‌ها حاکی از آن بود که حدود ۲/٦۰ درصد دانشجویان به صورت مداوم مشروب تقریباً هر روز الکل مصرف می‌کردند، ۳/۳۰ درصد ٤ تا ٦ بار در هفته و ۱۳/۱۷ درصد ۲ تا ۳ بار در هفته مصرف داشته‌اند. هم‌چنین ۲۷/۳٦ درصد طی یک سال گذشته اصلاً مصرف الکل نداشته‌اند.

چیونگ[2] (۲۰۱۰) تحقیقی تحت عنوان «فشار، خودکنترلی و تفاوت جنسیتی در بزهکاری در میان نوجوانان چینی: توسعه‌ی نظریه‌ی عمومی فشار» انجام داده‌است. نظریه‌ی فشار اگنو و

1-Asselin
2-Cheung

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نظریه خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی طی دو دهه‌ی اخیر در جامعه شناسی انحرافات مورد توجه فراوانی قرار گرفتند. هر دو نظریه‌ی بینش جدیدی درباره شکاف جنسیتی در جرم و بزهکاری ارائه می‌دهند. هدف از تحقیق حاضر این است تا نظریه‌ی فشار عمومی رابرت اگنو، در همراهی با دو متغیّر خودکنترلی (گاتفردسون و هیرشی) و متغیّر جنسیت مورد بررسی قرار گیرد. تعداد ۱۰۱۵ دانش‌آاموز چینی به عنوان جمعیت نمونه‌ی تحقیق انتخاب شدند. رفتارهای انحرافی در تحقیق حاضر که به عنوان متغیّر وابسته در نظر گرفته شدند شامل: پرسه زنی در نیمه شب، بر نگشتن به خانه بدون اجازه‌ی والدین، سیگار کشیدن، مصرف الکل، آسیب رساندن به اموال دیگران، سرقت، پیوستن به دسته‌های بزهکار، نزاع و درگیری و ... بوده‌است. مطابق با نظریه‌ی خودکنترلی در این تحقیق میزان خودکنترلی دختران بیش‌تر از خودکنترلی پسران بوده‌است. آن بخش از تحقیق که مربوط به نقش خودکنترلی در رابطه با بزهکاری است نشان‌دهنده‌ی این است که دخترانی که دارای خودکنترلی بالایی بودند میزان گرایش به رفتارهای بزهکارانه و بالتبع مصرف الکل در آن‌ها کم‌تر بوده‌است. در مقابل، پسرانی که خودکنترلی ضعیفی داشتند گرایش شدیدی‌تری به سمت رفتارهای انحرافی داشتند. بنابراین آن بخش از نظریه‌ی خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی مبنی بر این‌که خودکنترلی بالا فرد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، در این تحقیق مورد حمایت تجربی قرار گرفت.

ورا و مون[1] (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «آزمون تجربی نظریه‌ی خودکنترلی پایین در میان جوانان اسپانیایی» در صدد بوده‌اند با استفاده از نظریه‌ی خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی به انواعی از رفتارهای بزهکارانه در میان جوانان اسپانیایی بپردازند. بدین منظور تعداد ۲۷۷ نوجوان دبیرستانی که در جنوبی‌ترین شهر ایالات متحده زندگی می‌کردند به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. نتایج مربوط به این تحقیق بیان‌کننده‌ی این است که خودکنترلی پایین اثر معناداری بر روی انواع متنوّع رفتارهای بزهکارانه، از جمله رفتارهای بزهکارانه‌ی الکلیسم داشته‌است. بنابراین نتیجه‌ی این تحقیق موافق با پیش‌بینی‌های نظریه‌ی خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی مبنی بر این‌که هرچقدر خودکنترلی در فرد ضعیف‌تر باشد، فرد در رفتارهای بزهکارانه‌ی بیش‌تری درگیر می‌شود، است.

1-Vera &Moon

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نتایج تحقیقات داخلی و خارجی را می‌توان از زوایای مختلف مانند طبقه‌بندی به متغیّرهای زمینه‌ای، مستقل و وابسته مورد بررسی قرار داد. در رابطه با متغیّر وابسته باید خاطرنشان کرد علاوه بر بررسی مصرف الکل به بررسی انواع دیگر رفتارهای انحرافی مانند قلیان و سیگار کشیدن و مصرف مشروبات الکلی پرداخته‌اند. در رابطه با چارچوب نظری به کار گرفته‌شده در تحقیقات داخلی و تحقیقات خارجی، همان‌گونه که از تحقیقات داخلی بر می‌آید به نظر می‌رسد در ایران تحقیقات اندکی با استفاده از نظریه‌ی پیوند اجتماعی و نظریه‌ی خودکنترلی (به صورت ترکیبی) به تبیین نگرش نسبت به مصرف الکل در میان دانشجویان پرداخته‌اند. می‌توان گفت که تحقیقات داخلی کمتر با نگاه و رویکردی جامعه‌شناختی به مصرف و نگرش نسبت به مصرف الکل در میان دانشجویان پرداخته‌اند و بیش‌تر به بررسی توصیفی مصرف الکل در دختران و پسران پرداخته شده‌است. تحقیقات خارجی در چارچوب نظری خود در بررسی مصرف الکل یا نگرش نسبت به آن، عمدتاً از نظریه‌هایی چون نظریه‌ی هم‌نشینی افتراقی، نظریه‌ی برچسب‌زنی، نظریه‌ی عمومی جرم گاتفردسون و هیرشی، نظریه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی، نظریه‌ی فشار اگنو و نظریه‌ی یادگیری اجتماعی ایکرز و نظریه‌های ترکیبی مثل دوره‌ی زندگی و نظریه‌ی تعاملی استفاده کرده‌اند. لازم به ذکر است که در این میان، نظریه‌ی عمومی جرم سهم قابل توجهی در تحقیقات خارجی مربوط به تبیین مصرف الکل در میان دانشجویان داشته است.

چارچوب نظری

در میان نظریه‌هایی که به تبیین مصرف الکل پرداخته‌اند، می‌توان به نظریه‌ی پیوند اجتماعی و نظریه‌ی عمومی‌جرم (خودکنترلی) اشاره کرد. نظریه‌ی خودکنترلی و نظریه‌ی پیوند اجتماعی هر دو جزو نظریه‌های کنترل هستند. صاحب‌نظران این دو نظریه معتقدند انسان‌ها ذاتاً گرایش به قانون شکنی دارند. در نظریه‌ی خودکنترلی، جرم ناشی از تفاوت‌های فردی در سال‌های نخستین زندگی و دوره‌های متفاوت زندگی در نظر گرفته می‌شود. در حالی که در نظریه‌ی پیوند اجتماعی جرم ناشی از تجربیات اجتماعی تلقی می‌گردد. به عبارت دیگر در نظریه‌ی پیوند اجتماعی، تأکید هیرشی بر کنترلی است که در ارتباط یک فرد با جامعه وجود دارد. در حالی که در نظریه‌ی خودکنترلی تأکید بر خود فرد است (ژانگ، ۲۰۰٤: ٦۸).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نظریه‌ی پیوند اجتماعی[1]

نظریه‌ی پیوند اجتماعی، نظریه‌ی کنترل اجتماعی است که به‌طور خاص، به موضوع بزهکاری می‌پردازد. این نظریه از تلاش‌های اولیه برای فهم روش‌های درونی و بیرونی کنترل اجتماعی برخاسته‌است (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۹: ۸۷). نظریه‌های کنترل اجتماعی فرض را بر این گرفتند که یک فرد برای ارتکاب رفتارهای مجرمانه و یا بزهکارانه آزاد است زیرا وی با نظم متعارفی که شکسته شده، مواجه است. در نظریه‌ی کنترل اجتماعی، بزهکاری مقرر شده است. این هم‌نوایی است که، نیاز به تبیین دارد. بنابراین هیرشی، استدلال کرد که نظریه‌ی پیوند اجتماعی برای پاسخ‌گویی به این سؤال که «چرا ما آن عمل را انجام نمی‌دهیم؟» به جای این سؤال «چرا ما آن عمل را انجام می‌دهیم؟»، قابل کاربست است؛ در واقع، سؤالی که نظریه‌های دیگر نیز باید به آن پاسخ دهند. برطبق نظریه‌ی پیوند اجتماعی، حرکت به سمت جرم دائماً در افراد وجود دارد. نه فقط کسانی که نهایتاً مرتکب جرم می‌شوند کشش به سمت جرم دارند، بلکه، در اغلب افراد این گرایش به جرم ذاتاً وجود دارد (ژانگ[2]، ۲۰۰٤: ٦۲-٦۳).

هیرشی معتقد است چهار عنصر اصلی که باعث پیوند فرد و جامعه می‌شود شامل: پیوستگی[3]، التزام[4]، مشغولیت[5] (مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی) و باور[6] داشتن به قواعد اجتماعی است (شومیکر، ۲۰۱۰: ۱۲۵). در اساس نظر هیرشی چهار عنصر پیوند اجتماعی در کنار تئوری کنترل اجتماعی بزهکاری را تبیین می‌کند. هیرشی استدلال کرد که این عناصر پیوند اجتماعی عموماً از یک‌دیگر متفاوتند. به‌عنوان مثال پیوستگی و التزام به صورت معکوس تغییر پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، پیوستگی با والدین و دوستان ممکن است یک نوجوان را از التزام به مدرسه و تعقیب کردن کار و حرفه‌ی قانونی، خصوصاً اگر آن فرد از یک طبقه‌ی پایین و کارگر باشد، منع کند. با این حال هیرشی اشاره می‌کند که پیوستگی و التزام به صورت مثبت و بدون در نظر گرفتن وضعیت طبقاتی به هم وابسته‌اند. علاوه بر این، وی توجه دارد که التزام، مشغولیت و باورها نیز به صورت مثبتی با یک‌دیگر هم‌بسته‌اند. اگر چه به لحاظ تئوریکی هیچ یک از این عناصر بر دیگری برتری ندارند با این حال، تحقیقات اشاره دارد که

1-Social bonding theory
2-Zhang
3-Attachment
4-Commitment
5-Involvement
6-Belief

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تسلط یک عنصر بر دیگری تحت شرایط خاصی امکان‌پذیر است. به‌عنوان مثال برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که پیوستگی و مشغولیت هر دو می‌تواند بزهکاری را منع و فعالیت‌های اجتماعی از قبیل انجام کارهای خوب در مدرسه که این مساله هم در دختران و هم در پسران صادق است تشویق کند. با وجود این، پیوستگی ممکن است در کنترل بزهکاری دختران در مقایسه با پسران بیش‌تر اثر گذار باشد؛ در حالی که عنصر درگیری یا مشغولیت ممکن است اثر یکسانی بر روی دختران و پسران بر جای نهد. ارزیابی نظریه‌ی کنترل اجتماعی می‌تواند بر اساس رابطه میان بزهکاری و سه نهاد اساسی: مذهب، خانواده و مدرسه مورد بررسی قرار گیرد (همان: 221-220).

نظریه‌ی عمومی جرم[1]

جدیدترین نسخه‌ی نظریه‌ی کنترل اجتماعی مربوط به میشل گات فردسن و تراوس هیرشی است که با عنوان نظریه‌ی عمومی جرم معروف به نظریه‌ی خودکنترلی[2] مورد توجه قرار گرفت (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۸: ۹۰). گاتفردسون و هیرشی استدلال خود مبنی بر این‌که جرم نتیجه‌ی کنترل اجتماعی نامناسب است، با تأکید بر اهمیت فقدان خودکنترلی در یک فرد گسترش دادند. آن‌ها اشاره کردند که جرم فوراً و اغلب به‌صورت آسانی، آرزوها را ارضا می‌کند. اما در دراز مدت سود اندکی بر جای می‌گذارد. این ارضای فوری می‌تواند شامل پول، رابطه‌ی جنسی، مصرف مواد افیونی یا دزدی اموال را در بر گیرد. هم‌چنین، مجرمان در حال ارتکاب جرم هیجان را نیز تجربه خواهند کرد که اغلب این جرایم به نقشه و مهارت چندانی نیز نیاز ندارد. این استدلال به این معنی نیست که انتخاب جرم یک تصمیم غیرعقلانی است. جرم، یک فعالیت سودجویانه است یک وسیله با یک هدف را در بر می‌گیرد (کلینارد و میر[3]، ۲۰۱۱: ۹۷).

متخلفان بزهکار افرادی هستند که برای ارتکاب جرم مستعد هستند. اگرچه، آن‌ها روبات‌هایی نیستند که بدون محدودیت مرتکب جرم شوند، در زندگی روزمره‌یشان نیز رفتارهای مرسوم، مانند رفتن به مدرسه، مهمانی، کنسرت و کلیسا نیز متداول است. اما

1-GeneralTheory of Crime
2- Self- Control Theory
3-Clinard & Meier

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مجموعه‌ای از فرصت‌های بزهکارانه مانند داشتن وقت آزاد برای ارتکاب شرارت و زندگی در یک محله با خانه‌های بدون نگهبان که وسایل گران‌قیمتی نیز در آن‌ها وجود دارد برای آن‌ها نوعی فرصت بزهکاری فراهم می‌کند. هم‌چنین، احتمال بیش‌تری می‌رود که بچه‌های مستعد بزهکاری خشن‌تر از افراد غیر بزهکار باشند. تمایل به ارتکاب عمل بزهکارانه در طول زندگی فرد دوام می‌یابد؛ تغییر در فراوانی فعالیت‌های بزهکارانه صرفاً نتیجه‌ی تغییر فرصت‌ها است (سیگل و ولش، ۲۰۱۰: ۱۳۳). گات فردسن و هیرشی (۱۹۹۰) معتقدند، افراد با خودکنترلی قوی می‌توانند در برابر خشنودی کاذب ناشی از انحراف مقاومت کنند. بالعکس، خودکنترلی ضعیف باعث رفتارهای منحرفانه می‌شود. گات فردسن و هیرشی ضعف خودکنترلی را در دوران اولیه‌ی زندگی به عنوان عاملی پایدار و متشکل از شش جزء تشریح کردند. افرادی با خودکنترلی ضعیف به:

۱ – تکانشی و آنی بودن؛

۲ – ترجیح وظایف ساده و راحت بر وظایف مشکل که مستلزم پایداری است؛

۳ – جهت‌گیری خودمحورانه درباره‌ی علایق دیگران؛

٤ – ترجیح‌دادن فعالیت‌های فیزیکی بر فعالیت‌های ذهنی و ادراکی که به مهارت و طراحی نیاز دارد؛

۵ – رفتارهای مخاطره‌جویانه؛

٦ – ناشکیبایی به علت کم‌تحمّلی در برابر ناکامی‌ها (زود از کوره در رفتن)؛

گرایش دارند. براساس نظر گات فردسن و هیرشی، افرادی که خودکنترلی ندارند، به رفتارهای هیجانی و احساسی و اعمال فیزیکی به‌جای اعمال ذهنی، کارهای پرخطر، عجولانه و غیرزبانی گرایش می‌یابند و به‌همین دلیل، به اعمال مجرمانه و قانون‌شکنانه دست می‌زنند (علیوردی‌نیا، ۱۳۸۸: ۹۱ و ۹۲).

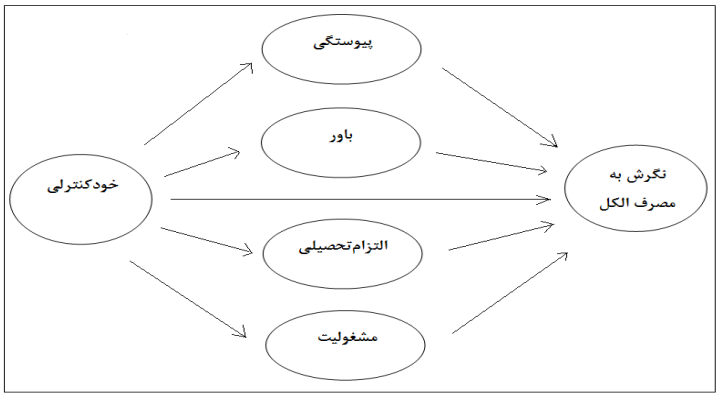
فرضیات این تحقیق عبارتند از:

۱- عناصر پیوند اجتماعی تابعی مثبت از خودکنترلی است.

۲- نگرش مساعد نسبت به مصرف الکل تابعی منفی از خودکنترلی است.

۳- نگرش مساعد نسبت به مصرف الکل تابعی منفی از عناصر پیوند اجتماعی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



نمودار شماره‌ی یک- مدل تحلیلی تحقیق

روش شناسی

تحقیق حاضر با روش پیمایشیو ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش نامه بوده‌است که با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای متناسب، در مجموع ۹۸۱۹ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران که در سال تحصیلی 91-90 مشغول به تحصیل بودند به‌عنوان جمعیت تحقیق انتخاب شدند. جمعیت نمونه‌ی این تحقیق به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب براساس جنس و دانشکده به دست آمده‌است. در مجموع ۹۸۱۹ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران که در سال تحصیلی 91-90 مشغول به تحصیل بودند به عنوان جمعیت تحقیق انتخاب شدند و نمونه‌ی آماری تحقیق با خطای ٤ درصد برابر ٤٩٤ نفر بوده‌است (دواس، ١٣٨٦: ٧٨). اما از آن‌جایی که همواره احتمال مخدوش شدن پرسش‌نامه‌ها از سوی پاسخ‌گویان وجود دارد، تعداد ٥٦٠ پرسش‌نامه در میان دانشجویان توزیع و پس از کنار نهادن پرسش‌نامه‌های مخدوش نهایتاً ٥٣٠ پرسش‌نامه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، با توجه به سطح سنجش متغیّرهای مورد بررسی، از رگرسیون دو متغیّره و چندگانه استفاده شده‌است. کلیه‌ی عملیات اجرایی پردازش داده‌ها با استفاده از بسته‌ی نرم افزاری علوم اجتماعی (SPSS) به انجام رسیده‌است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اعتبار و پایایی ابزار سنجش

در تحقیق حاضر به‌منظور تعیین اعتبار مقیاس متغیّر وابسته (نگرش به مصرف الکل) از اعتبار سازه‌ی نظری استفاده شده و درسنجش پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده‌است.

جدول شماره‌ی یک- ضرایب آلفای کرونباخ نهایی مقیاس‌ها

متغیّر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
پیوستگی	۱۲	۰/۸۹
باور	۱۳	۰/۸۲
التزام تحصیلی	٦	۰/۷٦
مشغولیت	٦	۰/۸۱
خودکنترلی	۲٤	/۸۱
نگرش به مصرف الکل	۲۵	۰/۹٦

تصریح مفاهیم و سنجش متغیّرها:

نگرش به مصرف الکل: نگرش به مصرف مشروبات الکلی متغیّر وابسته‌ی تحقیق حاضر است. نگرش، یک حالت آمادگی روانی و عصبی است که از طریق تجربه‌ی سازمان یافته تأثیر هدایتی یا پویا بر پاسخ‌های فرد در برابر کلیه‌ی اشیا یا موقعیت‌هایی که به آن مربوط می‌شود، دارد (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۲٤).برای عملیاتی سازی این مفهوم، مقیاس نگرش نسبت به مصرف الکل علیوردی نیا و همتی (۱۳۹۲) مورد استفاده قرار گرفت. در این مقیاس، مجموع نگرش به مصرف الکل به سه بعد شناختی، رفتاری و عاطفی تقسیم بندی شده‌است.

خودکنترلی: خودکنترلی به مفهوم توانایی فرد در محدود ساختن خویش است. گات فردسون و هیرشی، در نظریه‌ی عمومی جرم خود برای تبیین ارتکاب همه‌ی رفتارهای مشابه و مجرمانه از مفهوم خودکنترلی ضعیف استفاده می‌کردند. برای سنجش متغیّر خودکنترلی شش بعد در نظر گرفته شده‌است که عبارتند از: تکانشی بودن، ترجیح دادن کارهای ساده، خطرجویی، ترجیح دادن کارهای فیزیکی بر کارهای ذهنی، خومحوری و تند خویی (گراسمیک و همکاران، ۱۹۹۳ به نقل از علیوردی نیا، ۱۳۸۹).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پیوستگی: پیوستگی یا علاقه میزان پیوندی است که فرد با دیگران مهم برقرار می‌کند. هرچه این پیوند قوی‌تر باشد، احتمال این که فرد مطابق با انتظار آن‌ها رفتار کند بیش‌تر است. مقیاس پیوستگی در این تحقیق شامل دو بعد پیوستگی با خانواده و پیوستگی به مذهب بوده‌است که در هر یک از ابعاد میزان پیوند فرد با مفاهیم مورد نظر سنجش شده‌اند. تدوین گویه‌های مقیاس پیوستگی بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (علیوردی نیا و پرایدمور، ۲۰۰۷ و اوزجان و اوزبای[1]، ۲۰۰٦).

باور: هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی- مثل احترام به قانون و احترام به پلیس و نادرستی کنش‌هایی چون بزهکاری- و رعایت قوانین متفاوت است. هرچه اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد، بیش‌تر احتمال دارد که هنجارشکنی کند. بنابراین انحراف به‌علت فقدان اعتقاد به اعتبارها و قوانین واقع می‌شود. مقیاس باور در این تحقیق شامل دو بعد باور عام و باور نسبت به رفتارهای انحرافی بوده‌است که در هر یک از ابعاد میزان باور فرد با مفاهیم مورد نظر سنجش شده‌است. تدوین گویه‌های مقیاس باور بر مبنای پژوهش‌های پیشین بوده است (ردمون[2]،۲۰۱۰).

التزام تحصیلی: التزام نتیجه‌ی داشتن نوعی نگرش هزینه- فایده به بزهکاری است (شومیکر،۲۰۱۰: ۲۲۰). فردی که به فعالیت‌های متعارف در زندگی روزمره ملتزم باشد به منظور حفظ موقعیتی که با کوشش برای خود به‌دست آورده کج‌رفتاری نمی‌کند و خود را به خطر نمی‌اندازد. تدوین گویه‌های مقیاس التزام تحصیلی بر اساس تحقیقات پیشین است (اوزجان و اوزبای ،۲۰۰٦).

مشغولیت: به معنای درجه‌ی فعالیت (زمان و انرژی) مناسب برای رفتار رایج است. آنانی که اغلب درگیر فعالیت‌های رایج هستند، وقت کمتری برای درگیر شدن در انحراف دارند. از این روی مشارکت در باشگاه‌ها، فعالیت‌های تفریحی و درگیر شدن در فعالیت‌های فوق برنامه موجب افزایش سطح تطابق می‌شود (ویلیامز،۱۳۸۳: ۲۰۹). تدوین گویه‌های مقیاس التزام تحصیلی بر اساس تحقیقات (هاودان ،۱۹۹۹و بوت، ۲۰۰۸) است.

1 - Özcan and Özbay
2 - Redmon

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از آماره‌های توصیفی بیان‌کننده‌ی این است که ٦٠ درصد از پاسخ‌گویان دختر و ٤٠ درصد از پاسخ‌گویان پسر بوده‌اند. میانگین گروه سنی برای مردان حدود ۲۳سال و برای زنان حدود ۲۲ سال بوده‌است.در رابطه با وضع تأهل نتایج نشان می دهد که پسران مجرد، بیش‌ترین فراوانی پاسخ‌گویان را با ۹۳ درصد داشته‌اند. این در حالی است که در متأهلین، دختران با ۱۷ درصد بیش‌ترین فراوانی را داشته‌ند. در مقطع تحصیلی کارشناسی دختران با حدود ٨٤ درصد بیش‌ترین میزان فراوانی را در مقایسه با پسران با ۷۹ درصد داشته‌است. در مقابل، در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد پسران با ۲۱/۲ درصد بیش‌ترین میزان فراوانی را دارا هستند که به نوعی نشان می‌دهد در مقاطع بالای تحصیلی به دلایل متعدد، از تعداد دختران کم می‌شود. در رابطه با متغیّر پایگاه اقتصادی-اجتماعی اعداد بیان‌کننده‌ی این است که بیش‌تر پاسخ‌گویان ۷۸ درصد در طبقه‌ی متوسط قرار دارند. از این تعداد۸۲/۷ درصد دختر و ۷۰/۳ درصد پسربوده‌اند. پس از آن، طبقه‌ای که بیش‌تر پاسخ‌گویان ۱۷/۲ درصد در آن جای گرفتند طبقه‌ی بالا می‌باشد. ۲۲/۲ درصد از پسران و ۱۳/۸ درصد از دختران در این طبقه قرار داشتند. تنها تعداد اندکی از پاسخ‌گویان ۵/۱ در طبقه‌ی پایین قرار داشتند که ۷/۵ درصد از پسران و ۳/۵ درصد دختران را شامل می‌شود.

جدول شماره‌ی دو-توزیع فراوانی و درصدی مصرف الکل پاسخ‌گویان بر حسب جنس

جنس	پسر		دختر		کل	
مصرف الکل	**تعداد**	**درصد**	**تعداد**	**درصد**	**تعداد**	درصد
اصلا	۱۱۵	٥٤/۲	۲۰۱	٦۳/۲	۳۱٦	٥۹/٦
۱تا۳بار	۱۸	۸/٥	٤٤	۱۳/۸	٦۲	۱۱/۷
٤تا ٦ بار	۱۲	٥/۷	۲٤	۷/٥	۳٦	٦/۸
۷تا ۱۰بار	٦	۲/۸	۱۹	٦/۰	۲٥	٤/۷
بیش از ۱۰بار	٦۱	۲۸/۸	۳۰	۹/٤	۹۱	۱۷/۲
جمع	۲۱۲	۱۰۰	۳۱۸	۱۰۰	٥۳۰	۱۰۰

جدول شماره‌ی دو نشان‌دهنده‌ی میزان مصرف الکل پاسخ‌گویان در یک سال گذشته است. مطابق با جدول فوق، ٥۹/٦ درصد از پاسخ‌گویان اصلاً الکل مصرف نکرده‌اند. از این تعداد ٥٤/۲ درصد را پسران و ٦۳/۲ درصد را دختران تشکیل می‌دهند. در مقابل، ۱۷/۲ درصد از کل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پاسخ‌گویان اعلام داشتند که طی یکسال گذشته بیش‌تر از ۱۰ بار الکل مصرف کرده‌اند. به عبارت دیگر، نتایج مربوط به این بخش نشان دهنده‌ی این است که حدود ۲۹ درصد از پسران و ۹/٤ درصد از دختران دانشگاه مازندران طی یک‌سال گذشته بیش‌تر از ده بار الکل مصرف کرده‌اند. در تحقیق حاضر، کمترین میزان مصرف الکل ۱ تا سه بار در یک‌سال گذشته مد نظر بوده‌است. تعداد ۱۱/۷ درصد از دانشجویان (۸/۵ درصد از پسران و ۱۳/۸ درصد از دختران) یک تا سه بار الکل مصرف کرده‌اند که بیش‌ترین فراوانی مصرف در دختران است.

جدول شماره‌ی سه- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان خودکنترلی به تفکیک جنس

جنس	پسر		دختر		جمع کل	
خودکنترلی	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کم	۲۵	۱۱/۸	٤۹	۱۵/٤	۷٤	۱٤/۰
متوسط	۱۷۱	۸۰/۷	۲۵۵	۸۰/۲	٤۲٦	۸۰/٤
زیاد	۱٦	۷/۵	۱٤	٤/٤	۳۰	۵/٦
جمع کل	۲۱۲	۱۰۰	۳۱۸	۱۰۰	۵۳۰	۱۰۰

بر اساس داده‌های جدول شماره‌ی سه به میزان ۸۰ درصد پاسخ‌گویان پسر و دختر میزان خودکنترلی خویش را در حد متوسط ۱۱/۸ درصد پسران و ۱۵/٤ دختران در حدّ کم بیان داشته‌اند، این در حالی است که ۷/۵ درصد پسر و ٤/٤ درصد دختران این موضوع را در حدّ زیاد ارزیابی کرده‌اند. از این‌رو، می‌توان بیان داشت که بیش از ۹۰ درصد پاسخ‌گویان از میزان خودکنترلی متوسط و متوسط رو به پایین برخودار هستند.

جدول شماره‌ی چهار- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان ابعاد پیوند اجتماعی به تفکیک جنس

ابعاد	شدت	پسر		دختر		کل	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پیوستگی	پایین	۱٤	٦/٦	۱٤	٤/٤	**۲۸**	٥/۳
	متوسط	٦۰	۲۸/۳	۷٤	۲۳/۳	۱۳٤	۲٥/۳
	بالا	۱۳۸	٦٥/۱	۲۳۰	۷۲/۳	۳٦۸	٦۹/٤
	جمع	۲۱۲	۱۰۰	۳۱۸	۱۰۰	٥۳۰	۱۰۰
باور	پایین	۲	۰/۹	۰	۰/۰	۲	۰/٤
	متوسط	۷۰	۳۳/۰	۷۹	۲٤/۸	۱۳۰	۲٤/٥
	بالا	۱٤۰	٦٦/۰	۲۲٦	۷۱/۱	۳۹۸	۷٥/۱
	جمع	۲۱۲	۱۰۰	۳۱۸	۱۰۰	٥۳	۱۰۰
التزام تحصیلی	پایین	۱٥	۷/۱	۱۳	٤/۱	۲۸	٥/۳
	متوسط	۷۱	۳۳/٥	۷۹	۲٤/۸	۱٥۰	۲۸/۳
	بالا	۱۱۳	٥۹/٤	۲۲٦	۷۱/۱	۳٥۲	٦٦/٤
	جمع	۲۱۲	۱۰۰	۳۱۸	۱۰۰	٥۳۰	۱۰۰
مشغولیت	پایین	۱۳۱	٦۱/۸	۲۱۱	٦٦/٤	۳٤۲	٦٤/٥
	متوسط	٦۳	۲۹/۷	۸۹	۲۸/۰	۱٥۲	۲۸/۷
	بالا	۱۸	۸/٥	۱۸	٥/۷	۳٦	٦/۸
	جمع	۲۱۲	۱۰۰	۳۱۸	۱۰۰	٥۳۰	۱۰۰

چنان که از داده‌های جدول شماره‌ی چهار بر می‌آید، در بعد پیوستگی، ٦٥/۱ درصد از پسران و ۷۲/۲ درصد از دختران دارای پیوستگی بالا هستند. در بعد باور ٦٦ درصد از پسران و ۷۱/۱ درصد از دختران دارای باور بالا هستند. هم‌چنین در بعد التزام تحصیلی، ٥۹/٤ درصد از پسران و ۷۱/۱ درصد از دختران دارای التزام تحصیلی بالا هستند.این درحالی است که در بعد مشغولیت، تنها ۸/٥ درصد از پسران و ٥/۷ درصد از دختران دارای مشغولیت بالا هستند.

جدول شماره‌ی پنج- وضعیت کلی مصرف الکل و نوع نگرش به مصرف الکل پاسخ‌گویان

مصرف الکل نگرش به	بدون سابقه‌ی مصرف	**دارای سابقه‌ی مصرف**	جمع کل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مصرف الکل	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
نگرش منفی	۲۱۰	٦٦/٥	٤۲	۱۹/٦۲	۲٥۲	٤۷/٥٤
نگرش میانه	۹۷	۳۰/۷	۱۲۱	٥٦/٥٤	۲۱۸	٤۱/۱۳
نگرش مثبت	۹	۲/۸٤	٥۱	۲٤/۰	٦۰	۱۱/۳۲
جمع کل	۳۱٦	۱۰۰	۲۱٤	۱۰۰	٥۳۰	۱۰۰

مطابق با جدول شماره‌ی پنج، نگرش منفی نسبت به مصرف الکل از لحاظ انتخاب پاسخ‌گویان در مرتبه‌ی اول قرار دارد؛ چرا که بیش از دو سوم (٦٦/٥ درصد) از پاسخ‌گویانی که سابقه‌ی مصرف نداشته‌اند و ۱۹/٦۲ درصد پاسخ‌گویان دارای سابقه در مصرف الکل، نسبت به آن نگرشی منفی داشته‌اند. نگرش میانه از لحاظ مرتبه در جایگاه دوم انتخاب پاسخ‌گویان بوده‌است. چرا که ٤۱/۱۳ درصد از پاسخ‌گویان (۳۰/۷ درصد کسانی که سابقه‌ی مصرف نداشتند و ٥٦/٥٤ درصد افرادی که سابقه داشتند) نسبت به مصرف الکل نگرشی میانه داشته‌اند. این در حالی است که فقط ۱۱/۳۲ درصد از جمعیت نمونه‌ی نگرشی مثبت به مصرف داشته‌اند. و این نگرش مثبت بالتبع می‌بایست از طرف پاسخ‌گویانی بوده‌باشد که سابقه‌ی مصرف الکل داشته‌اند (۲٤ درصد)، و فقط ۲/۸٤ درصد از پاسخ‌گویانی که سابقه‌ی مصرف نداشته‌اند، نسبت به مصرف الکل نگرشی مثبت داشتند.

رگرسیون چندگانه برای تبیین نگرش نسبت به مصرف الکل

جدول شماره‌ی شش- جدول رگرسیونی نگرش نسبت به مصرف الکل براساس متغیّرهای مستقل برحسب جنس

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

متغیّرهای‌مستقل	متغیّر وابسته: نگرش به مصرف الکل					
	مدل۱ (برمبنای Beta)			مدل ۲(برمبنای Beta)		
	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل
پیوستگی	-۰/۲۰۵**	-۰/۳۳۵**	-۰/۲۷٤**	-۰/۲٤۸**	-۰/۳٤۷**	-۰/۲۹۷**
باور	-۰/۳۹۲**	-۰/۳۰٤**	-۰/۳٥٦**	-۰/۳٤٥**	-۰/۲۷۹**	-۰/۳۱۹**
التزام تحصیلی	-۰/۱۱۳	-۰/۰۷۷	-۰/۰۹٤*	-۰/۰۷۸	-۰/۰٦٦	-۰/۰۷٥
مشغولیت	0/۲۱٦**	۰/۰٦۲	۰/۱٤٥**	۰/۱۹۷**	۰/۰٥۸	۰/۱۳٥**
خودکنترلی	----------		----------	-۰/۱۱۸*	-۰/۰۷٤	-۰/۰۹۷**
R^2(ضریب تعیین)	۰/۳۹۸	۰/۳٦۹	۰/۳۹۲	۰/٤۰۹	۰/۳۷٤	۰/٤۰۰
F Value	34/۲٦٤	45/۷۳۳	۸٤/۷٤۳	۲۸/٥۰۹	۳۷/۲۲٥	٦۹/۹٤۰

مدل۱: بدون متغیر خودکنترلی ، مدل ۲: مدل کامل ** p<0. 01 , * p<0.05

در جدول شماره‌ی شش میزان تبیین نظریه‌های پیوند اجتماعی هیرشی و خودکنترلی در ترکیب با یک‌دیگر و به تفکیک جنسیت آورده شده‌است. با توجه به داده‌های جدول شماره‌ی ٦- ۳ ضریب تعیین مدل اول در میان پاسخ‌گویان پسر، ۰/۳۹۸ است. این امر بیان‌کننده‌ی این است که چهار متغیّر پیوستگی، باور، التزام تحصیلی و مشغولیت، ۰/۳۹۸ از تغییرات نگرش به مصرف الکل پسران را پیش‌بینی می‌کنند. این مقدار در مدل اول دختران، ۰/۳٦۹ و به این معناست که چهار متغیّر پیوستگی، باور، التزام تحصیلی و مشغولیت، ۰/۳٦۹ از تغییرات نگرش نسبت به مصرف الکل دختران را پیش‌بینی می‌کنند. در مدل اول جدول فوق که ستون مربوط به پاسخ‌گویان پسر نمایش داده شده‌است اهمیت نسبی هر متغیّر مستقل در توضیح تغییرات متغیّر وابسته از طریق مقدار ضریب رگرسیون (Beta) پی برده‌می‌شود. علامت منفی ضریب رگرسیون نشان دهنده‌ی تأثیر معکوس و منفی متغیّرهای مستقل بر نگرش نسبت به مصرف الکل است. در مقابل، علامت مثبت حاکی از اثر مثبت و مستقیم متغیّرهای وابسته بر نگرش نسبت به مصرف الکل است. در مدل اول پسران، از میان چهار متغیّر وارد شده به مدل، متغیر باور با داشتن ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی ۰/۳۹۲- قوی‌ترین پیش بینی کننده‌ی نگرش نسبت به مصرف الکل در پسران است و پیوستگی با ۰/۲۰٥- در رتبه‌ی بعدی جای دارد. متغیّر مشغولیت با ۰/۲۱٦اثرگذاری، به دلیل مثبت بودن، با فرضیه‌ی تحقیق هم‌خوانی نداشته و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تأیید نشده‌است به همراه متغیّر التزام تحصیلی، اثر معناداری بر نگرش نسبت به مصرف الکل پسران نداشته‌اند. در مدل اول دختران، متغیّر پیوستگی با داشتن ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۳۳۵- مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کنندگی نگرش نسبت به مصرف الکل است. متغیّر باور نیز با ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۳۰٤- رتبه بعدی پیش‌بینی کنندگی نگرش نسبت به مصرف الکل دارا است. در مدل اول دختران متغیّر مشغولیت و متغیّر التزام تحصیلی دارای اثر معنادار بر نگرش نسبت به مصرف الکل نیستند.

در مدل دوم **جدول شماره‌ی شش** متغیّر خودکنترلی وارد معادله شد تا تأثیر آن بر نگرش نسبت به مصرف الکل دختران و پسران در همراهی با چهار متغیّر ذکر شده در مدل اول، مورد آزمون قرار گیرد. در مدل دوم پسران، ضریب تعیین ۰/٤۰۹ و در دختران ۰/۳۷٤ است. اعداد نشان می‌دهد که حتی با وارد شدن متغیّر خودکنترلی، متغیّر باور با داشتن ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۳٤٥- بر دیگر متغیّرها برتری دارد. متغیّر پیوستگی با داشتن ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۲٤۸- و متغیّر خودکنترلی با داشتن ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۱۱۸- به ترتیب در رتبه‌های بعدی اثرگذاری جای دارند. متغیّر مشغولیت با داشتن جهت مثبت و ناهم‌خوانی با فرضیه‌ی تحقیق، رد شده و متغیّر التزام تحصیلی نیز بر نگرش نسبت به مصرف الکل پسران اثر معناداری نداشته‌است. در مدل دوم دختران نیز، با وارد شدن متغیّر خودکنترلی، با معناداری دو متغیّر پیوستگی و باور، متغیّر پیوستگی با داشتن ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۳٤۷- بر دیگر متغیّرها برتری دارد و متغیّر التزام تحصیلی و مشغولیت نیز هم‌چنان بر نگرش نسبت به مصرف الکل دختران اثر معناداری نداشته‌است. هم‌چنین متغیّر خودکنترلی در حالی که در پسران با داشتن ضریب تأثیر استاندارد رگرسیونی معادل ۰/۱۱۸- معنادار بود اما اثر معناداری بر نگرش دختران نسبت به مصرف الکل نداشته‌است.

تحلیل مسیر

جدول شماره‌ی هفت- آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیّرهای مدل تحلیلی بر روی نگرش به مصرف الکل

متغیّر	جنس	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

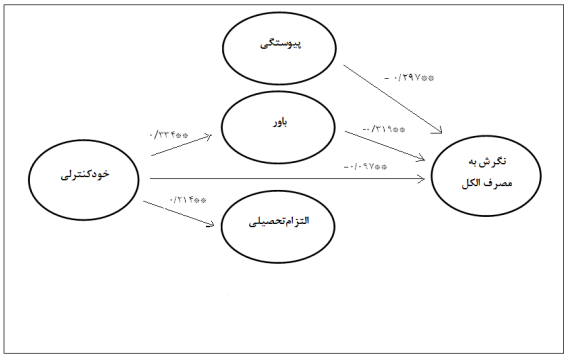
پیوستگی	پسر	-۰/۲٤۸	--------	-۰/۲٤۸
	دختر	-۰/۳٤۷	--------	-۰/۳٤۷
	کل	-۰/۲۹۷	--------	-۰/۲۹۷
باور	پسر	-۰/۳٤٥	--------	-۰/۳٤٥
	دختر	-۰/۲۷۹	--------	-۰/۲۷۹
	کل	-۰/۳۱۹	--------	-۰/۳۱۹
خودکنترلی	پسر	-۰/۱۱۸	-۰/۰۰٦	-۰/۱۲٤
	دختر	--------	۰/۰۳۸	۰/۰۳۸
	کل	-۰/۰۹۷	۰/۰۱٥	-۰/۰۸۲

جدول شماره‌ی هفت نشان‌دهنده‌ی تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و تأثیر کل متغیّرهای الگوی تحلیلی تحقیق است. با توجه به داده‌های جدول فوق و بر اساس استناد به آثار مستقیم متغیّرها، در پسران، متغیّر باور ۰/۳٤٥- قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی کننده‌ی نگرش نسبت به مصرف الکل است. بعد از متغیّر باور به ترتیب متغیّرهای پیوستگی ۰/۲٤۸- و خودکنترلی ۰/۱۱۸- بیش‌ترین تأثیر را بر روی نگرش نسبت به مصرف الکل در پسران داشته‌اند. متغیّر پیوستگی ۰/۳٤۷- قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی کننده‌ی نگرش نسبت به مصرف الکل در دختران است. بعد از متغیّر پیوستگی، به ترتیب متغیّرهای باور ۰/۲۷۹- بیش‌ترین تأثیر را بر روی نگرش نسبت به مصرف الکل در دختران داشته‌اند. با توجه به داده‌های جدول فوق و بر اساس استناد به آثار غیرمستقیم متغیّرها، تنها متغیّر خودکنترلی دارای آثار غیر مستقیم بوده‌است. متغیّر خودکنترلی در دختران با ۰/۰۳۸ و در پسران با ۰/۰۰٦-، تاثیر غیر مستقیم بر نگرش نسبت به مصرف الکل داشته‌است. بر اساس بررسی تأثیرات کلی متغیّرهای الگوی تحلیلی تحقیق بر روی متغیّر وابسته‌ی نگرش نسبت به مصرف الکل، متغیّر پیوستگی با ضریب تأثیر ۰/۳٤۷- در دختران و متغیّر باور با ضریب تأثیر ۰/۳٤٥- در پسران، قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی کننده نگرش نسبت به مصرف الکل هستند.

با توجه به داده‌های جدول **شماره‌ی هفت** و بر اساس استناد به آثار مستقیم متغیّرها در کل، متغیر باور ۰/۳۱۹- قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی کننده‌ی نگرش به مصرف الکل است. بعد از متغیّر باور به ترتیب متغیّرهای پیوستگی ۰/۲۹۷- و خودکنترلی ۰/۰۹۷- بیش‌ترین تأثیر را بر روی نگرش به مصرف الکل داشته‌اند. با توجه به داده‌های جدول فوق و بر اساس استناد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

به آثار غیرمستقیم متغیّرها، تنها متغیّر خودکنترلی با ضریب تاثیر ۰/۰۱۵ دارای اثر غیر مستقیم بر نگرش نسبت به مصرف الکل بوده‌است. بر اساس بررسی تأثیرات کلی متغیّرهای الگوی تحلیلی تحقیق بر روی متغیّر وابسته، متغیر باور با ضریب تأثیر ۰/۳۱۹- قوی‌ترین و مهم‌ترین پیش‌بینی کننده‌ی نگرش نسبت به مصرف الکل است و متغیّرهای پیوستگی ۰/۲۹۷- و خودکنترلی ۰/۰۸۲- در رده‌های بعدی اثرگذاری بر متغیّر نگرش به مصرف الکل (متغیّر وابسته) قرار داشته‌اند.



نمودار شماره‌ی دو- مدل تحلیل مسیر اصلاح شده نگرش نسبت به مصرف الکل (کل)

بحث و نتیجه‌گیری (تبیین نظری)

بحث اصلی نظریه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی این است که رفتارهای بزهکارانه زمانی اتفاق می‌افتند که پیوندهایی که فرد با جامعه برقرار ساخته‌است شکسته و یا ضعیف شود. چهار مفهوم کلیدی پیوند اجتماعی پیوستگی (به خانواده، معلمان و دوستان)، باور به اهمیت هنجارهای اخلاقی جامعه، التزام به هنجارهای مرسوم (آموزش)، مشغولیت و درگیر شدن در فعالیت‌های معمول (ورزش) است. (ازبای و ازکان، ۲۰۰۷ : ۱۳۷). مطابق با فرضیه‌ی شماره‌ی یک، خودکنترلی با عناصر پیوند اجتماعی رابطه‌ی مستقیم دارد. از میان چهار عنصر پیوند اجتماعی (پیوستگی، باور، التزام تحصیلی و مشغولیت) تنها دو عنصر باور و التزام تحصیلی، رابطه‌ی مثبت و مستقیم با خودکنترلی داشته‌اند. به عبارت دیگر خود کنترلی بالا با باور و التزام تحصیلی بیش‌تری همراه خواهد بود. گاتفردسون و هیرشی اظهار کردند که خودکنترلی و نه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پیوند اجتماعی، عمده‌ترین منبع مقاومت کننده در برابر تمایلات مجرمانه است. تربیت کودک از طریق خانواده و مدرسه، خودکنترلی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این امر در بازگشت، عمل فرد را برای شرکت در رفتارهای مجرمانه تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، رشته‌ی علّی در نظریه‌ی خودکنترلی از پیوند با والدین، پیوند با مدرسه، التزام و مشغولیت در آموزش برای خودکنترلی و سپس رفتارهای مجرمانه است. خودکنترلی می‌بایست اثر متغیّرهای پیوند اجتماعی را متعادل سازد. نتایج مربوط به این فرضیه بر حسب جنس نشان می‌دهد که هم در پسران و هم در دختران خودکنترلی تنها با دو متغیّر باور و التزام تحصیلی رابطه‌ی مثبت و مستقیم دارد. در این تحقیق خودکنترلی با متغیّر مشغولیت دارای رابطه‌ی منفی و معکوس و متغیّر پیوستگی هیچ رابطه‌ای با خود کنترلی نداشته‌است. نتیجه‌ی تحقیق پیش رو با نتایج برخی از تحقیقات تجربی از جمله چیونگ و چیونگ (۲۰۰۸) هم‌سو بوده‌است؛ زیرا در تحقیق مذکور نیز نوجوانان چینی که دچار افت سطح خودکنترلی بودند، پیوندهای اجتماعی ضعیفی داشتند.

بر اساس فرضیه‌ی دوم این تحقیق، خودکنترلی با نگرش نسبت به مصرف الکل رابطه‌ی معکوس دارد. این فرضیه نیز به لحاظ تجربی مورد تأیید قرار گرفت؛ به عبارت دیگر هر چقدر که میزان خودکنترلی در پسران و دختران بیش‌تر می‌شود نگرش نسبت به مصرف الکل نیز در آن‌ها منفی‌تر می‌شود. مطابق با نظریه‌ی خودکنترلی، گاتفردسون و هیرشی معتقدند که خودکنترلی پایین نتایج اجتماعی‌ای نیز برای فرد به بار خواهد آورد. در واقع، خودکنترلی پایین توانایی فرد را برای موفقیت در نهادهای اجتماعی و پیوندهای اجتماعی شکل می‌دهد. در حقیقت، این دو محقق اظهار می‌کنند که ارتباط میان شکست اجتماعی و جرم بیش‌تر ساختگی[1] است تا علّی. به نظر آنان افرادی که از میزان پایین خود کنترلی بر خوردارند مشکلات بیش‌تری در ساختن و نگه داشتن یک رابطه‌ی دوستانه با دیگران دارند. اینان بیش‌تر تمایل دارند با افرادی ارتباط داشته باشند که حتی فاقد خودکنترلی هستند، بزهکار هستند، بی ثباتی شغلی را تجربه کرده‌اند و تمایل به پرسه زنی در خیابان دارند. این موضوع از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ چرا که بسیاری از این نتایج اجتماعی در ارتباط با رفتارهای مجرمانه است (بارن، ۲۰۰۳: 405–404). در کنار خصوصیاتی هم‌چون رضایت بخشی آنی، سادگی،

1- spurious

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

راحتی و هیجان جرم بر حسب ادراکات افراد فاقد خویشتن‌داری، این افراد شتابزده، خودمحور، طالب کارهای جسمانی، ماجراجو و کوتاه‌بین هستند. به‌علت این ویژگی‌ها است که جرم برای افرادی که توانایی مهار کردن خودشان را ندارند، جذّاب و فریبا است. بدین ترتیب، افراد دارای خودکنترلی پایین گرایش به در نظر گرفتن لذت آنی جرم دارند و همیشه عواقب بالقوه‌ی بلند مدت انحراف را نمی‌توانند محاسبه کنند. گات‌فردسن و هیرشی بدین علت که والدین به شدّت می‌توانند برای هم‌نواسازی فرزندان‌شان از طریق نظارت، ایجاد پیوندهای عاطفی و ارتباط با آنان، تأثیرگذار باشند، بر خانواده به عنوان تعیین کننده‌ی اساسی خودکنترلی تأکید می‌کنند (علیوردی‌نیا و صالح‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۲). بنابراین آن بخش از نظریه‌ی خودکنترلی گاتفردسون و هیرشی که معتقد است هر چه خود کنترلی فرد افزایش یابد فرد نسبت به رفتارهای انحرافی مقاوم‌تر می‌شود، در تحقیق حاضر مورد تأیید قرار گرفت. نتایج این تحقیق با برخی از تحقیقات تجربی از جمله گیبسون و همکاران (۲۰۰٤) هم‌سو است. چرا که در تحقیق مزبورنیز میان رفتارهای منفی وابسته به مصرف الکل و خودکنترلی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. در تحقیق مذکور هرچه خودکنترلی افراد کم‌تر بوده‌است رفتارهای منفی وابسته به مصرف الکل آن‌ها بیش‌تر شد. هم‌چنین این تحقیق نیز با نتایج تحقیق ورا و مون (۲۰۱۳) هم جهت بوده‌است؛ چرا که در تحقیق ذکر شده هر چقدر میزان خودکنترلی فرد ضعیف‌تر می‌شد، مصرف الکل نیز در او افزایش می‌یافت. نتیجه‌ی تحقیق حاضر با نتایج تحقیق چیونگ (۲۰۱۰) هم جهت است. در تحقیق چیونگ نیز، خودکنترلی به‌عنوان یک متغیّر نقش مهمی در کاهش رفتارهای انحرافی و از جمله مصرف الکل داشته‌است. هم‌چنین، این متغیّر (خودکنترلی) اثر فشار و تنش‌های روزمره را در بروز رفتارهای انحرافی کاهش می‌داد. نتیجه‌ی این تحقیق هم‌چنین با نتایج تحقیق علیوردی‌نیا و صالح‌نژاد (۱۳۹۰) و علیوردی‌نیا و همتی (۱۳۹۲) موافق بوده‌است.

فرضیه‌ی سوم مبنی بر این‌که، عناصر پیوند اجتماعی با نگرش نسبت به مصرف الکل رابطه‌ی معکوس دارد، از میان چهار عنصر پیوند اجتماعی، تنها دو عنصر پیوستگی و باور رابطه‌ی معکوس و منفی با نگرش نسبت به مصرف الکل هم در دختران و هم در پسران داشته‌است. در تحقیقات داخلی، این نتیجه با نتایج حاصل از تحقیق علیوردی‌نیا و همتی (۱۳۹۲)هم‌سو است؛ چرا که در تحقیق ذکر شده متغیّر پیوستگی مهم‌ترین نقش را در تبیین

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

گرایش به مصرف الکل داشته‌است. به عقیده‌ی هیرشی اگر جوانان پیوندی قوی با والدین، دوستان و معلمان داشته‌باشند و به یک نوع از عمل مانند آموزش متعهد باشند، هم‌چنین در برخی از فعالیت‌های روزمره درگیر باشند و نیز به اهمیت ارزش‌های اخلاقی پایبند باشند و آن را باور داشته‌باشند، در نهایت کم‌تر به رفتارهای بزهکارانه گرایش خواهند داشت؛ به‌عبارت دیگر، مورد انتظار است که قدرت عناصر پیوند اجتماعی با بزهکاری جوانان ارتباط معکوس داشته‌باشد (ازبای و ازکان، ۲۰۰٦). تحقیق حاضر با تحقیق آسلین (۲۰۰۹) هم‌سو است. در این تحقیق بی‌قیدی، ارتباط با همالانی که مواد و الکل مصرف می‌کردند و باورهای انحرافی، ارتباط مثبتی با مصرف مواد و الکل داشته‌است. مردان بیش‌تر از زنان به مصرف مواد و الکل گرایش داشتند و علت این امر به کمبود پیوند اجتماعی در آن‌ها بر می‌گردد. برای مثال افرادی که وابستگی بیش‌تری با جامعه‌ی خود داشته‌اند و افرادی که از شرایط خانوادگی مطلوبی برخوردارند کمتر به رفتارهای انحرافی مانند مصرف مواد و الکل روی آورده‌اند. مطابق با تحقیق اسمیت و پاترنوستر (۱۹۸۷)، عناصر التزام و پیوستگی با خانواده و مشغولیت با مصرف ماری جوانا معنادار نبوده‌است. در تحقیق مذکور، اعتقاد به ضوابط، مشغولیت و پیوستگی با خانواده و نیز التزام اثر منفی مهمی بر روی فراوانی مصرف ماری جوانا هم در زنان و هم مردان داشته‌است. به عقیده‌ی هیرشی، پیوستگی به پیوند با دیگران (مانند خانواده و همالان) و اهمیت نهادهای اجتماعی (مانند کلیسا و مدرسه) اشاره دارد. پیوستگی ضعیف با خانواده ممکن است به تعالی شخصیت فرد آسیب برساند؛ در حالی که روابط ضعیف با مدرسه، به‌عنوان ابزاری در بزهکاری فرد دیده می‌شود. تعهد نیز در بردارنده‌ی درجه‌ای که یک فرد علاقه‌ی خود را به سیستم اقتصادی و اجتماعی حفظ می‌کند (هاگان، ۲۰۰۷: ١٦٦). هیرشی پیوستگی با والدین را با پیوستگی به مدرسه با هم مقایسه می‌کند. وی به این نتیجه رسید که افرادی که به والدین خود پیوستگی ندارند؛ با مدرسه نیز پیوندی ندارند خصوصاً با معلمان. وی به این نتیجه دست یافت که گرایش مثبت به مدرسه که در بردارنده‌ی نگرش مطلوب به معلمان است، حتی بدون در نظر گرفتن قدرت وابستگی به والدین خصوصاً پدر، با میزان پایین بزهکاری در ارتباط است. به عبارت دیگر در حالی که پیوستگی به والدین قطعاً با بزهکاری در ارتباط است، این مسأله گرایش به تحت‌الشعاع قرار گرفتن توسط وابستگی به مدرسه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شومیکر، ۲۰۱۰: ۲۳۹). در بسیاری از تحقیقات، متغیّر التزام

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

هیرشی نوعاً معنادار نیست و به همین علت چندان هم مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛ در نتایج تحقیقاتی که متغیّر التزام معنادار نبوده‌اند.

منابع

۱- دواس، دی.ای (۱۳۸٦) **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، چاپ دهم، تهران: نشر نی.

۲- رجایی، علیرضا (۱۳۷۹) «اعتیاد، علل ، درمان و پیشگیری»، **فصلنامه‌ی اصول بهداشت روانی**، سال دوم، شماره‌ی هفتم و هشتم ص 99-90.

۳- رحیمی مؤقّر، آفرین و سهیمی ایزدیان، الهه و یونسیان، مسعود (۱۳۸۵) «مطالعه مروری وضعیت مصرف مواد در دانشجویان کشور»، **پایش**، شماره‌ی ۵ ص 104 – 83.

٤- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳)؛ «نیمه‌ی پنهان: گزارش دانش‌آموزان تهرانی از کجرفتاری‌های اجتماعی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی»، **پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی: ویژه‌نامه‌ی جامعه شناسی**، شماره‌ی ٤۱ و ٤۲، ص 84 – 53.

۵- سراج‌زاده، سید حسین و جواهری، فاطمه (۱۳۸۲) **نگرش‌ها و رفتار دانشجویان**، تهران: دفترمطالعات و برنامه ریزی فرهنگی اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

٦- سراج‌زاده، سید حسین و فیضی، ایرج (۱۳۸٦: الف) «مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان دانشگاه های دولتی در سال تحصیلی 1382 – 1381»، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره‌ی ۲۵، ص 110 – 85.

۷- سراج زاده، سیدحسین و فیضی، ایرج (۱۳۸٦: ب)« عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۳۱، ص 102 – 81.

۸- سهرابی، فرامرز و اکبری زردخانه، سعید و ترقی جاه، صدیقه و فلسفی نژاد، محمدرضا و یعقوبی، حمید و رمضانی، ولی اله (۱۳۸۸) «مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سال تحصیلی ۸٦-۱۳۸۵»، **رفاه اجتماعی**، شماره‌ی ۳٤، ص 82 – 65.

۹- طالبان، محمدرضا (۱۳۷۸) **دینداری و بزهکاری در میان جوانان**، تهران: اداره‌ی آموزش و پرورش منطقه‌ی ۵.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۰- -علیوردی نیا، اکبر (۱۳۸۸)«اثربخشی برنامه‌های معتادان گمنام درنگرش معتادان به مواد مخدر»، **مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران**، دوره‌ی سوم،شماره‌ی ۳، ص 177-144.

۱۱- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۸۹) **جامعه‌شناسی کارتن خوابی**، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

۱۲- علیوردی نیا، اکبر و صالح نژاد، صالح (۱۳۹۰) «خود کنترلی، جنسیت و تأثیر آن بر رفتارهای انحرافی»، **زن در توسعه و سیاست**، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ٤، ص 26-5.

۱۳- علیوردی‌نیا، اکبر و همتی، اعظم (۱۳۹۲) «تحلیل اجتماعی گرایش به مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران»، **راهبرد اجتماعی و فرهنگی**، شماره‌ی ۷.

۱٤- کریمی، یوسف (۱۳۷۵) **روان‌شناسی اجتماعی**، تهران:، ارسباران.

۱۵- ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین دی (۱۳۸٦) **نظریه‌های جرم شناسی**، ترجمه‌ی حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.

16- Aliverdinia, Akbar and Pridemore, William Alex (2007),« A first glimpse at narcotics offenders in an islamic republic: A test of an integrated model of drug involvement among a sample of men incarcerated for drug offenses in Iran**», International Criminal Justice Review**, Vol. 17, No. 1:27-44.

17- Asselin، Nicola (2009) **Using general strain theory to understand drug and alcohol use in Canada: An examination of how strain, its conditioning variablesand gender are interrelated**,(M.A.Thesis), Queen's University Kingston, Ontario, Canada.

18- Batol, Curt r & Batol, Anne M (2011) **Criminal behavior: a psychological approach**, Pearson.

19- Booth , Jeb , Farrell Amy and P. Varano , Sean (2008) «Social control, serious delinquency, and risky behavior : A gendered analysis» , **Crime & Delinquency**;Vol; 54(3) 423-456.

20- Brown, E. Stephen &Esbensen, Finn-Aage &Geis, Gilbert (2003) **Criminology: explaining crime and its context,** seventh edition, Western Carolina:Lexis Nexis.

21- Bulmer. Sandra Minor & Irfan.Syed & Mugno.Raymond & Barton.Barbara RN& Ackerman. Louise (2010) «Trends in alcohol consumption among undergraduate students at a northeastern public university, 2002–2008», **Journal of American College Health**, Vol (58): 383- 391.

22- Cheung, W. Nicole & Cheung , W. Yuet (2008) «Self- control, social factors, and delinquency: A test of the general theory of crime among adolescents in Hong Kong», **Journal of Youth and Adolescence**, Vol (37):412-430.

23- Cheung,W.Yuet (2010) «Strain, self- control, and gender diefferences in delinquency among Chinese adolescents: Extending general strain theory», **Sociological Perspectives,**Vol (53):321–345.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

24- Clinard B.Marshall & Meier F. Robert (2008) **Sociology Of deviant behavior**,thirteeth edition, Thomson Learning academic resource center.

25- Faulkner .S. Hendry & L B. Roderique، L. Thomson،R (2006)« A preliminary study of the attitudes, triggers and consequences of hazardous drinking in university students», **Health Education Journal**, Vol; 65(2): 159–169.

26- Ghanizadeh, A. (2001) «Shiraz university student's attitudes toward drugs: An exploratory study», **Eastern Mediterranean Health Journal**, Vol; 7(3):452- 460.

27- Gibson، Chris & Christopher J. Schreck & Mitchell، J. Miller (2004) «Binge drinking and negative alcohol-related behaviors:A test of self-control theory» ,**Journal of Criminal Justice** , Vol (32): 411 – 420.

28- Hagan,Frank E.(2007) **Introduction to criminology: theories, methods, and criminal behavior**, Sixth edition, Wadsworth Pub Co.

29- Hawdon, James (1999) «Daily routines and crime: Using routine activities as measures», **Youth & Society**; Vol 30(4): 395-415.

30- Hingson, R., Heeren, T., Winter, M., & Wechsler, H. (2005) «Magnitude of alcoholrelated mortality, morbidity among US college students ages 18–24: changes from 1998 to 2001», **Annual Review of Public Health**, Vol (26): 259–279.

31- Nguyen. Hong V , Kaysen Debra , Dillworth. Tiara M , Brajcich. Marci , Larimer . Mary E, (2010) «Incapacitated rape and alcohol use in white and Asian American college women», **Violence Against Women**, Vol; 16 (8): 919 – 933.

32- Novik, Melinda G.& Howard, Donna E. & Boekeloo, Bradley O, (2011) «Drinking motivations and experiences of unwanted sexual advances among undergraduate students», **Journal of Interpersonal Violence**, Vol; 26 (1): 34–49.

33- Ozbay, Ozden & Ziya Ozcan , Yusuf (2006) «A test of Hirschi's social bonding theory: A comparison of male and female delinquency», **International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology**, Vol; 50(6): 711-726.

34- Redmon, David (2010) «Testing informal social control theory: Examining lewd behavior duringmardi gras»,**Deviant Behavior**,Vol. 23(4): 363 – 384.

35- Shoemaker, J. Donald (2010) **Theories of delinquency an examination of explanations of delinquent behavior**, sixth edition, Published by Oxford University.

36- Siegel, J. Larry & Brandon, C. Welsh (2010) **Juvenile delinquency**, fourth edition, wadsworth: Belmont.

37- Vera, P. Eliseo&Moon.Byongook (2013) «An empirical test of low self- control theory among hispanic youths»,**Youth Violence and Juvenile Justice,** Vol (11) : 1 79- 193.

38- Zhang ,Yan (2004) **Explaining drug use and delinquency by race and ethnicity: A test of differential association, social bonds and self- control** ,(Ph.D Thesis), Michigan State University.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

This document was created with Win2PDF available at http://www.win2pdf.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]